

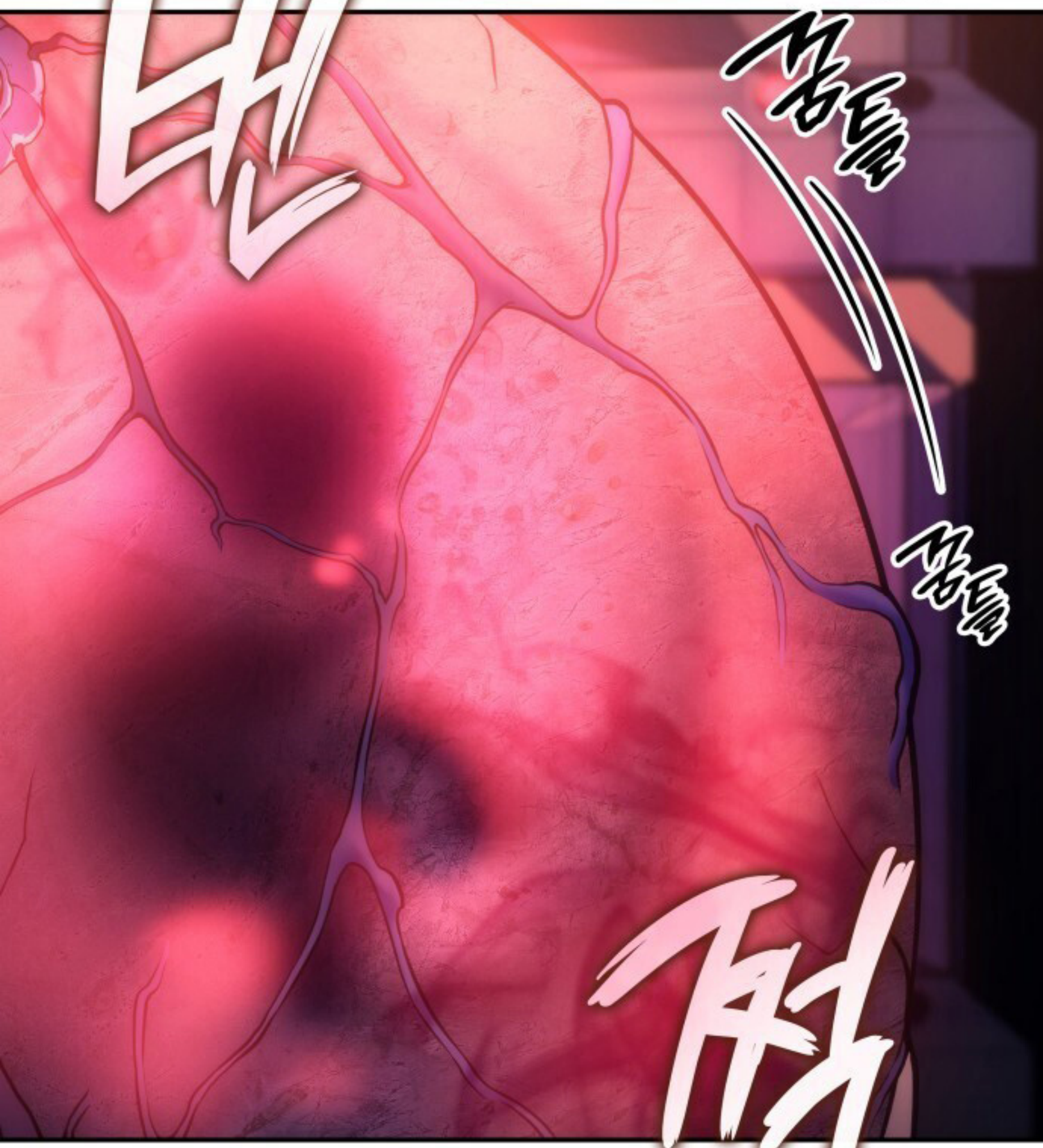
* ويررر



* وووش



* لغزش (۲)



* برق

* شکستن



* شکافتن



* گرفتن



* جیغ

بین،
تابائه!

اینها بچه‌های
من!



* کشیدن

حالا دیگه
می‌تونن با افتخار
توی سین-سی
زندگی کنن!

* غرش

* هاهاهاه

고고고
포포포

크하
하하
하하

카아
아아
아아

تا طلوع صبح فردا،
سین-سی امن و در
آرامشی که خیلی مشتاقش
بودی به ثمر می رسه!



* هههههه

* غرش

오오오



OK
OK
OK

تابائه...

هزاران سال،
برای بچه‌های عزیزم
صبوری کردم...

* اشاره

... و سین-سی
رو به چیزی که
الان هست تبدیل
کردم.

با این حال اما،
اون سین-سی امن
در آینده نزدیک
مال تو نمیشه.

* رعد

فقط و فقط،
مال من میشه.

7 سرفروشت

چاکهو

العام از شخصیت‌های
گروه بیتاس

قسمت ۴۱

آ

* دان (۳)



آ

آ

این انرژی زنده
درست شبیه چیزیه
که چند روز پیش
حس کردیم.



تعداد بسیار
زیادی از انرژی‌های
قدرتمند دارن به
این سمت میان.

* برق



* بووم

* وووش



قربان...!



هوسو؟ این همه
الم شنگه دیگه
برای چیه؟



قربان، شما باید
مراقب قدرتی که در پیش
باشید و قدرت کاملتون
رو آزاد کنید.

الان داری بهم
توهین می کنی،
هوسو؟

* چشم غره

شاید ضعیف شده باشم،
اما چطور جرئت می کنی
که بهم بگی حواسم باید
به قبیله ی گام باشه؟

تکون بخور،
هوسو. پایان جنگ
نزدیکه.

وقتی قدرت
شیندانسو رو به
دست بیارم،

با یک ضربه،
می تونم هر موجودی
رو نیست و نابود کنم،
از جمله بومها رو.

قربان...

لطفا گستاخی من رو
بیخشید، اما شاید اونی
که نیست و نابود میشه
شما باشین.

چی...؟

قربان،
«برف ریزه» رو
یادتون میاد؟

شیندانسو تله‌ای
هست که اون کار
گذاشته.

همونطور که
می‌دونید، شیندانسوی
واقعی در طول جنگ
نابود شده.

چقدر
خیره سری،
هوسو!

اون بولگاسالی حتی
نمی‌تونه از پس یدونه
خرگوش بر بیاد!

چطور جرئت می‌کنی
از ارباب بخوای که محتاط
باشن وقتی فقط یه هیولای
تک و تنهاست؟

* دان (۳)

* مه

این انرژی...

این انرژی
برف ریزه‌ست.



قربان، مطمئنم
که یادتون هست.

!؟

این انرژی متعلق
به کسیه که چند وقت
پیش بازوتون رو
از جا کند.

برف ریزه به قدری
قدرتمند شده که به
تابائه بدل بشه،

و الان قدرت کشتن
بولتی رو داره، که
قدرت خودش رو کاملاً
آزاد کرده بود.

بولتی
مرده...؟

اگه این حقیقت
داره، پس باید
عجله کنیم.

انقدر ماجرا رو کش
دادیم که بعید می دونم
دنیای سایه ها بتونه بیشتر
از این دووم بیاره.



باید هرچه سریع تر
بذر شیندانسوی اصلی رو
بکاریم. نباید وقت رو
از دست بدیم.

* رعد



* هوف (۵)

ورودی
دنیای سایه‌ها
ناپدید شد!

اگه می‌موندیم
تا ابد اونجا گیر
می‌افتادیم.

م-موفق
شدیم...

* دم

هوا چه...
خنکه.

* آخیش

برگشتیم.

به سین-سی.





!...!



آه...!



الان واقعا
قدرت بوم رو
از دست دادی؟

آهاها

بله...!

دلم نمی خواد ضد حال
باشم، اما باید بدونم
هوپو کجا رفته.



آه...!

ارباب هوپو به احتمال
زیاد دارن به سمت مرکز
سین-سی حرکت می‌کنن
تا درخت شیندانسو
رو بکارن!

مرکز؟

بله. اونجا مکانیه که
انرژی بیشتر متمرکز
شده، و همچنین محل
قبلی شیندانسو.

پس... دقیقا
کجاست؟

فکر کردم دیگه
همتون بدونید...

جاییه که به ما
شکارچی‌ها در ازای
جون این بوم‌ها جایزه
میده.

مرکزی
که انرژی درش
متمرکز میشه...

...محل بنای
برج بیساله.



برج بیسال؟
آره توی مرکز
شهره!



اگه مبارزه
اونجا رخ بده...

جون مردم توی
خطر میوفته!

* بووم



درست بعد
از تموم شدن
صحبتمون...

اگه هوپو توی

مرکز شهره...



همگی...

...ما اینجایم تا از
سین-سی محافظت
کنیم و انتقاممون رو
از دشمن بگیریم.

!?

هدفمون هم
هوپوئه.

جون
گامهای زیادی
رو گرفته.

دیگه نمی‌تونیم
یکجا بشینیم و دست روی
دست بذاریم در حالی که
هوپو به انسانها آسیب
می‌رسونه.

بوم‌های اینجا
باید عاشق هوپو
باشن...

حتی اگه شکستش بدم،
انتقام من فقط شروع
انتقام دیگه‌ای میشه.

فعلاً، تنها چیزی که
همه بیشتر از هر چیزی
نیاز داریم گفتگو و
قانع کردنه.



بینم به
نظرتون راهی
هست که...

...بشه متقاعدش
کرد این جنگ رو
تموم کنه؟

* نوازش (۲)

وایستا...!

اگه داری میری
پیش ارباب، لطفاً منم
با خودت ببر!

باهاشون
صحبت می‌کنم!

نمی‌تونم اجازه بدم
بخاطر انتقامشون صلح
رو از بین ببرن!

.....

من و هوپو مثل
همدیگه ایم.

هردومون
غرق انتقامیم.

و همچنین در تناقص با
آرزوی صلح و آرامشمون
حاضریم برای این هدف
خون بریزیم.

این راه پرخطری
که طی می‌کنیم فقط
باعث نگرانی بقیه
میشه.

یعنی انتقامی
که هوپو می‌گفت
واقعا برای آرمان
بزرگیه؟

فزارکن!

زها!

پدر و مادرم
برای محافظت از
من چوششون رو
فدا کردن،

اما هیچوقت ازم
نخواستن تا از طرفشون
انتقام بگیرم.

انتقام من که
برای آرمان بزرگی
نپوده.

بچه‌ها...
میشه از هوپو
انتقام نگیریم؟

زها...

تا زمانی که بتونیم
دنیایی بسازیم که گام و بوم
بتونن باهم زندگی کنن
انتقام برای من یکی که
مهم نیست.

والا اینطور
هم نیست که
شکست دادن هوپو
صلحی بیاره.

لعنتی...
برخلاف میلمه، اما
چاره‌ای ندارم.

خب، من که
نمی‌بخشمش،
اما...

اگه سین-سی
می‌تونه دوباره
آرامش بگیره.

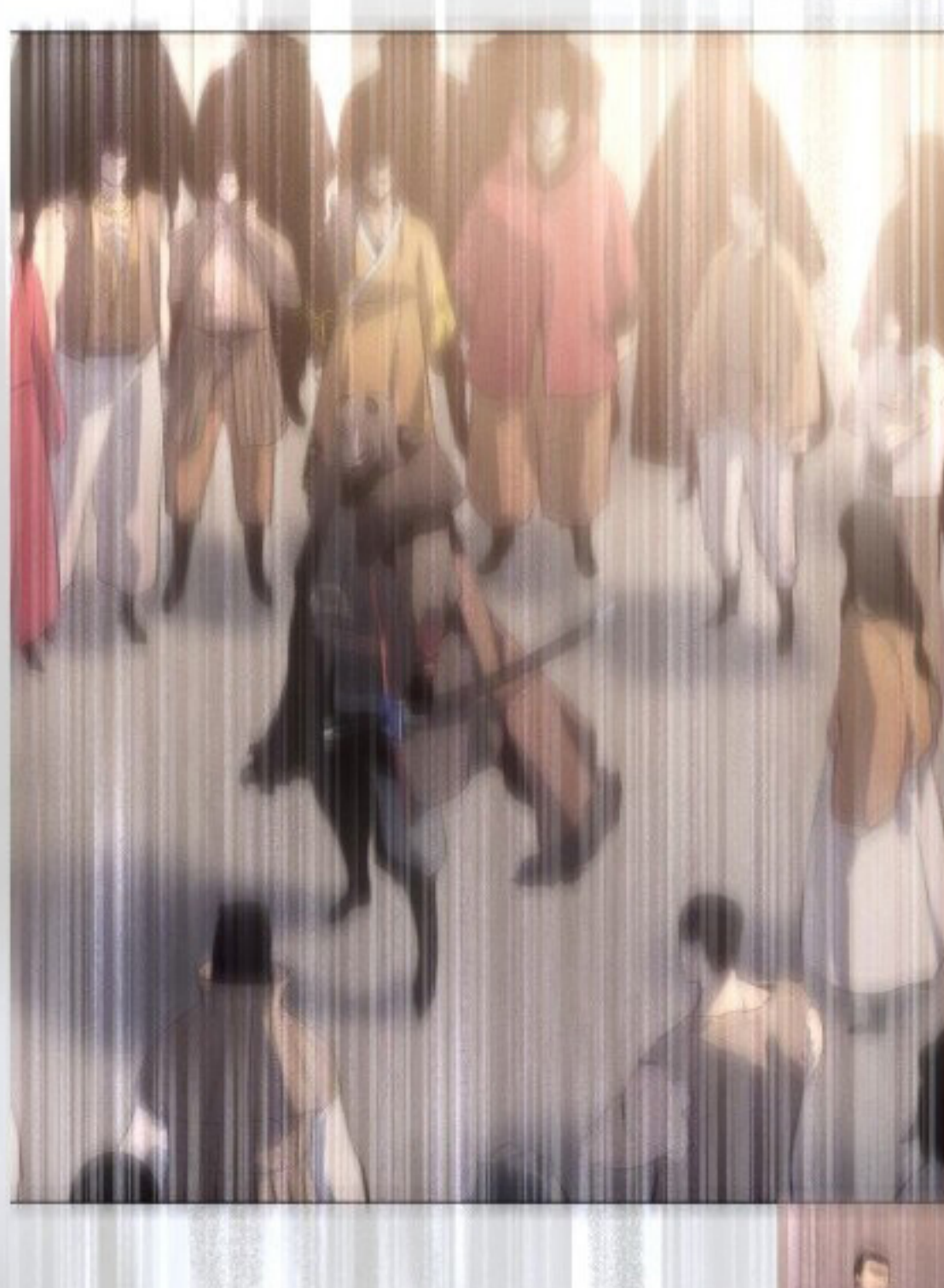
اگه صلح دوباره به
سین-سی برگرده
اینطوری...

همگی...



من جلو میرم.

!؟...



یه چیزی
شده.

هارو، توی خاطرات
تابائه، هوپو به تابائه
خیانت کرده...

اما چرا توی
خاطراتش هیچ کینه‌ای
نسبت به هوپو احساس
نمی‌کنم؟

با این وجود،
هوپو از گام و تابائه
بیزاره...

به نظر می رسه که
جواب به زودی روشن
میشه، حالا چه خوشمون
بیاد چه نیاد.



* اشاره

* غرش...



ا؟ اون دیگه
چیہ...؟



یعنی
توی سین-سی
چی می گذره؟

7 سرفروشنت

چاکهو

العام از شخصیت‌های
گروه بیتاس



به ما
پیونددید
تا شادی
را برای
دیگران
به یادگار
بگذارید!!

دنیاى زنده و مانگا